

فضاهای بی‌دفاع شهری و خشونت (مطالعه‌ی موردی فضاهای بی‌دفاع شهر تهران)

علیرضا محسنی تبریزی، دانشیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه تهران*
سهراب قهرمانی، کارشناس ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه تهران
سجاد یاهک، کارشناس ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه تهران

چکیده

عوامل متعددی در وقوع و گسترش خشونت مؤثر هستند. یکی از این عوامل، فضاهای بی‌دفاع شهری یا جرم‌خیز است. فضاهای بی‌دفاع یا جرم‌خیز دارای ویژگی‌های بسیاری هستند که در دو دسته‌ی فیزیکی و اجتماعی قابل تفکیک بوده، سبب مستعد شدن فضاها برای وقوع خشونت می‌شوند. از دیدگاه طراحان شهری و معماران، ویژگی‌های فیزیکی و از دیدگاه نظریه‌پردازان جامعه‌شناسی و روان‌شناسی، ویژگی‌های اجتماعی بیشتر در مستعد کردن فضاها جهت وقوع خشونت نقش دارند.

این تحقیق در برهه‌ی زمانی ۹ ماهه و مشاهده‌ی میدانی آن در آبان ماه ۱۳۸۷ انجام شده است. مکان تحقیق حاضر نیز ۲۲ منطقه‌ی شهرداری شهر تهران بوده است. در این پژوهش فضاهای مورد مطالعه بر اساس نوع خشونت و با توجه به اهداف تحقیق و امکان دسترسی و محدودیت زمانی و مالی ۱۲ فضای شهری عمومی از میان ۱۰۸ فضای شهری عمومی آلوده یا جرم‌خیز تهران هستند، شامل جرم‌های: سرقت (بلوار هجرت، خیابان اتابک و پارک ولیعصر)، مزاحمت (خیابان اسدآبادی، نبش خیابان بهار و چهار راه ولیعصر)، نزاع و درگیری (میدان مقدم، میدان ابوذر و پارک ۲۲ بهمن) و کیف‌قاپی (زیر پل سیدخندان، پارک شریعتی و خیابان خواجه عبدالله انصاری).

کل فضاهای آلوده یا جرم‌خیز، شامل ۱۰۸ نقطه‌ی خشونت‌ی یا آلوده‌ی مناطق بیست و دو گانه‌ی شهر تهران در سال ۱۳۸۶ و نیمه‌ی ۱۳۸۷ هستند که بر مبنای خشونت‌های ثبت شده در کلانتری‌های شهر تهران در سال ۱۳۸۶ و نیمه‌ی اول سال ۱۳۸۷ به عنوان نقاط خشونت‌ی یا جرم‌خیز آلوده‌ی شهر تهران از سوی فرماندهی انتظامی تهران بزرگ معرفی شده‌اند.

نتایج تحقیق نشان می‌دهد که وجود روشنایی و نور مناسب و عدم تراکم ساختمانی، از ویژگی‌هایی هستند که فضاهای دارای کیف‌قاپی را از دیگر فضاها تفکیک می‌کند. عدم پیوند ارتباطی با فضاهای نمایان، وجود نقاط فرو رفته و یا برآمده، داشتن مرز و محدود مشخص و کم بودن ساختمان‌ها نیز از ویژگی‌های تفکیک‌کننده‌ی فضاهای دارای نزاع و

درگیری از دیگر فضاها هستند. توالی و امتداد نیز از ویژگی‌های متمایزکننده فضاها دارای مزاحمت از دیگر فضاها هستند.

واژه‌های کلیدی: فضا، فضای بی‌دفاع، فضای شهری، فضای بی‌دفاع شهری، خشونت.

مقدمه

امروزه خشونت و ترس از خشونت، به عنوان نگرانی فراگیر در تمام جوامع مطرح شده است. نفوذ خشونت در زندگی روزمره در بسیاری از کشورها و شهرها به یک واقعیت تبدیل شده است؛ چنانکه با عناوین خشونت بومی^۱، رایج و حتی رها شده^۲ توصیف می‌شود (ویتون، ۲۰۰۴: ۱۶۶). در چنین شرایطی، سیاست‌های دستگاه‌های مبارزه با خشونت که اغلب به‌طور مستقیم بر مجرم تمرکز دارند، چندان موفقیت‌آمیز نبوده و این امر موجب توجه به ابعاد تأثیرگذار بر وقوع خشونت و عوامل زمینه‌ساز شده است. یکی از عوامل تأثیرگذار که در دهه‌های اخیر مورد توجه شهرسازان، جامعه‌شناسان و روان‌شناسان محیطی قرار گرفته است، فضاها شهری و بالطبع فضاها بی‌دفاع شهری هستند. شاید بتوان گفت که در هر فضای شهری مفروض، مقدار معینی از خشونت وجود دارد، اما خشونت‌ها در سطح شهر به‌طور تصادفی توزیع نشده‌اند؛ چرا که فضاهایی با عنوان آلوده یا بی‌دفاع، محل اتفاق افتادن انواع و اقسام خشونت‌ها هستند، در حالی که در محل‌های دیگر هیچ‌گونه خشونتی رخ نمی‌دهد یا خشونت کمتری رخ می‌دهد (وایت و سوتون: ۱۹۹۵: ۸۵).

مطالعه در زمینه‌ی ارتباط محیط و خشونت به اوائل قرن نوزدهم برمی‌گردد که بیشتر ارائه‌ی

الگوهای منطقه‌ای از جرائم و مقایسه‌ی مناطق شهری و روستایی و پیمایش در زمینه‌ی ارتباط جرائم با دیگر ویژگی‌های اجتماعی و اقتصادی بود که در ابتدا توسط گوری^۳ ۱۸۳۳ در فرانسه و در بلژیک توسط کتله^۴ ۱۸۴۲ صورت گرفت. سپس در رشته‌های مختلف مطالعاتی بسط یافت، اما در ادامه این گسترش بخصوص توجه به نقش فضاها جرم‌خیز یا بی‌دفاع در وقوع خشونت یا جرائم در کارهای جرم‌شناسان محیطی، طراحان شهری، جامعه‌شناسان، روان‌شناسان و بخصوص روان‌شناسان محیطی و دیگر رشته‌های مطالعاتی مرتبط با جرائم و خشونت با دو رویکرد متفاوت دنبال شد که هر رویکرد در مطالعه‌ی رابطه‌ی فضاها یا محیط با جرائم بر نظریات خود پافشاری می‌کردند. رویکرد اول که تأکید بیشتری بر محیط فیزیکی داشت، بیشتر از سوی شهرسازان و معماران مطرح شد. جاکوبس (۱۹۶۱)، جفری (۱۹۷۱) و نیومن (۱۹۷۲) در مطالعات خود درباره‌ی خشونت و محیط فیزیکی با تأکید بر طراحی فیزیکی، تأکید کردند که فضاها شهری حامل معانی و نمادهای خاص خود هستند و از این طریق می‌توانند تأثیر عمیقی بر تفسیر افراد از موقعیت‌های خود و واکنش نسبت به موقعیت‌های قرارگیری داشته باشند. فضاها شهری به‌عنوان یک متغیر مستقل، قادر به مداخله در ماهیت و اندازه‌ی خشونت

³ A.M. Guerry

⁴ Adolphe Quetelet

¹ endemic

² unbound

فیزیکی - اجتماعی در طرح‌های خانه‌سازی، زندان‌ها و مجاورت خانه‌ها را نشان داده‌اند. چارلز هورتن کولی، جامعه‌شناس معاصر نیز عنوان می‌کند که آسیب‌های اجتماعی بیشتر به سوی نقاط و فضاهایی روان می‌شوند که زمینه‌ی لازم را برای به فعل رساندن و تداوم آنها داشته باشند. وی در یکی از تحقیقات خود درباره‌ی چگونگی پخش آسیب‌های اجتماعی در سطح شهر و مکان‌های آسیب‌پذیر به این نتیجه رسید که مبادی ورودی شهرها، اسکله‌ها، باراندازها، ترمینال‌ها، ایستگاه‌های راه آهن و... از نقاط آسیب‌پذیر شهر بوده، بیشترین ناهنجاری‌ها در این‌گونه مکان‌ها رخ می‌دهند (شکوهی، ۱۳۷۲: ۱۰۲).

با وجود این، هر دو دسته هم عقیده‌اند که فضاهای بی‌دفاع معلول اتفاقاتی هستند که در شهر رخ می‌دهد زیرا به علت بزرگ شدن یا بزرگ بودن شهر و کم‌رنگ شدن و عدم کنترل مناسب فیزیکی و اجتماعی، فضاهایی به وجود می‌آیند که فعالیت‌های غیرمجاز و متعارض با هنجارهای جامعه در آن نقاط صورت می‌گیرد که آثار نامطلوبی بر پیکر جامعه می‌گذارد و به حادث شدن انواع خشونت‌ها منجر می‌گردد. از این‌رو این مطالعه در پی شناخت ویژگی‌های فضاهای بی‌دفاع شهری یا جرم‌خیز و تعیین ویژگی‌های فیزیکی و اجتماعی بر اساس دیدگاه‌های مطرح شده، بررسی ویژگی‌های فیزیکی و اجتماعی متفاوت فضاهای بی‌دفاع بر اساس نوع خشونت و مطالعه‌ی نقش این عوامل در بی‌دفاع کردن فضاها به نوع خاصی از خشونت است.

در شهر هستند و اندیشه‌ی خود را در قالب فضای قابل دفاع (ابتدا توسط جاکوبس ۱۹۶۱ و سپس نیومن ۱۹۷۲) مطرح ساختند (تیموثی، ۲۰۰۶: ۱۷۴).

اما رویکرد دوم محیط اجتماعی و ویژگی‌های اجتماعی فضاها را با اهمیت می‌داند که از سوی جامعه‌شناسان و روان‌شناسان مطرح شد و به‌طور گسترده‌ای در آمریکا و در کارهای مکتب شیکاگو توسعه یافت. توضیح مدل بوم شناختی و روش شناختی جرائم شهری به‌وسیله‌ی مکتب شیکاگو در بین دهه‌های ۲۰ و ۶۰ قرن بیستم گسترش یافت. تئوری منطقه‌ای رشد و گسترش شهر به‌وسیله رابرت پارک و ارنست برگس آنها را قادر به ترسیم دقیق مرزهای جرائم در نقشه‌شان و توضیح علت تمرکز جرائم در منطقه انتقالی کرد. گلیفورد شاو و هنری مک کی با استفاده از این چارچوب مفهومی به مطالعه‌ی رابطه‌ی بین انحرافات جوانان، اعضای دسته‌های جنایتکار و بی‌سازمانی اجتماعی شهری پرداختند. جامعه‌شناسان مکتب شیکاگو به مطالعه‌ی رابطه‌ی بین ساخت فیزیکی شهر با نظام اخلاقی آن پرداختند. به همین جهت، از سال ۱۹۲۵ تا ۱۹۴۰ پیروان مکتب شیکاگو با هدف درک تاثیر عوامل اجتماعی و بوم‌شناختی بر بی‌سازمانی و رفتارهای خشونت‌ی و انحرافی، رابطه‌ی نرخ‌های جرم و بزهکاری، نظیر: خودکشی، طلاق، فحشا، الکلیسم، اعتیاد و دیگر انواع خشونت‌ها را با فضای درون شهری مطالعه نمودند (احمدی، ۱۳۷۷: ۵۷).

تحقیقات روان‌شناسی محیطی (فیشر، ناسال، ۱۹۹۲. گرینبرگ، روهه و ویلیامز، ۱۹۸۲؛ مجارجی، ۱۹۷۷. ناسی، تیتلبام و پراثر، ۱۹۷۷ و نیومن، ۱۹۷۳، ۱۹۹۵ و...) نیز رابطه‌ی قوی بین خشونت و محیط

بیان مسأله

موضوع تقویت، توسعه و احیا و ایجاد فضاهای شهری مناسب، همواره موضوعی مورد توجه بوده است. از آن هنگام که انسان برای بقا و تامین معاش خود با وسایل ابتدایی و دست‌ساز به مقابله با عوامل طبیعی پرداخت، تاکنون که به دنبال عصر صنعتی شدن، سرعت و تکنولوژی رویای برتری بر جهان پیرامون خود را از طریق وسایل پیشرفته در سر می‌پروراند، امنیت - چه در بُعد روانی آن و چه در بعد فیزیکی - همواره یکی از دغدغه‌های همیشگی او بوده است. متناسب با پیچیده‌تر شدن روابط اجتماعی در عصر مدرنیته و خارج شدن این روابط از حالت‌های ساده‌ی اولیه که جنبه‌ی فیزیکی و محسوس داشت، امنیت در ابعاد مختلف فیزیکی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی روز به روز اهمیت بیشتری پیدا می‌کند و به همین علت است که مقوله‌ی امنیت از مهمترین مؤلفه‌های تشکیل‌دهنده‌ی امنیت ملی است. با نگاهی به گسترش شهرنشینی و روند توسعه‌ی شهری، می‌توان دریافت که برقراری امنیت در ساختار شهری و برخورداری شهروندان از «امنیت»، در ابعاد اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و محیطی اهمیتی فزاینده دارد. از آنجا که امنیت، مؤلفه‌ای اساسی در «توسعه‌ی پایدار انسانی» به‌شمار می‌رود که افزایش «رضایتمندی شهروندی» و شکل‌گیری «سرمایه‌ی اجتماعی» را در ساختار شهری ممکن می‌کند، باید علاوه بر سنجش میزان واقعی امنیت، به جستجوی راه‌های مؤثر در شکل‌گیری مکان‌های امن شهری و جلوگیری از شکل‌گیری و رشد فضاهای ناامن یا جرم‌خیز و بی‌دفاع شهری نیز پرداخت.

همچنین تلاش در جستجوی راه‌های مؤثر در کاهش فضاهای ناامن یا بی‌دفاع شهری به جهت نقش مؤثری است که آن‌گونه فضاها می‌توانند در جامعه و در ایجاد امنیت ایجاد کنند. پرفسور "دوهل"، استاد دانشگاه برکلی در مطالعه‌ای که درباره‌ی تاثیر فضاهای شهری بر سلامت روانی ساکنان شهری انجام داده است، "شهر سالم" را چنین تعریف می‌کند: شهر سالم محیط اجتماعی و کالبدی با چنان امکاناتی است که انجام کلیه‌ی فعالیت‌های زندگی را به سهولت و با کارایی مطلوب امکان‌پذیر سازد (بحرینی، ۱۳۶۸: ۸۴). بسیاری از اندیشمندان جامعه‌شناس، روان‌شناس، مردم‌شناس و... در باب اهمیت اجتماعی فضاهای شهری تأکید کرده‌اند که این‌گونه فضاها موجب تسهیل روابط اجتماعی و پالایش ساخت اجتماعی می‌گردند، موجب گسترش حس اطمینان و اعتماد گردیده، بر امنیت و کنترل اجتماعی می‌افزایند. کانون تمرکز اجتماع و محل بروز و ظهور رفتارهای اجتماعی ساکنان هستند. فرایند اجتماعی شدن افراد را تسهیل نموده، عرصه‌ی مهم اعمال و هنجارها و موازین اجتماعی هستند. میدانی برای شکل بخشیدن به انسان و میدانی برای برقراری ارتباط به شیوه‌ی نمادگرایانه هستند و... (پارسی، ۱۳۷۹: ۲).

مطالعه و تعمق در گزارش‌های خوشونت‌ها نشان می‌دهد که فضاهای بی‌دفاع در بروز خوشونت‌های شدید، بخصوص خوشونت‌های پیوسته، یکی از عامل‌های اساسی هستند. همچنین، فضاهای بی‌دفاع عامل مهمی در پایین آوردن کیفیت زندگی هستند. از سوی دیگر، باید این مسأله را مدّ نظر داشت که امنیت و آسودگی دو عامل اساسی حیات بشری هستند،

برده‌ایم! به همین جهت، فضاهای بی هویت و ناآشنای زیادی به وجود آمده که این فضاها به موازات رشد، خود از یک سو می‌توانند خشونت را افزایش دهند و از سوی دیگر خشونت و ترس به نوبه‌ی خود موجب واکنش‌های روان‌شناختی و رفتاری شهرنشینان، از جمله تمایل به کناره‌گیری از زندگی شهری، عدم اطمینان به دیگران، دوری جستن از مکان‌های خاص، اخذ تدابیر حفاظتی، تغییر فعالیت‌های روزمره و عدم مشارکت در اعمال جمعی می‌شوند که این امر نیز به نوبه‌ی خود فضاها را ناامن‌تر می‌سازد. این در حالی است که در جهان معاصر انسان مدنی برای زندگی در جمع و دستیابی به مراتب تعالی نیازمند امنیت و آرامش است. امنیت نبود خشونت در زندگی نوین، چنان اهمیتی یافته است که به عنوان یکی از شاخص‌های اصلی توسعه مطرح است. در دنیای کنونی به لحاظ گسترش شهرنشینی و افزایش تعاملات شهروندان با هم و همچنین از نظر طراحی شهری و معماری امنیت در شهرها، اهمیت خاصی پیدا کرده است. شهر به عنوان نماد زندگی جمعی و شکل غالب در دنیای کنونی، نیازمند نگاه ویژه به مقوله‌ی امنیت است، چرا که فضاهای بی‌دفاع شهری حامل معانی و نمادهای خاص خود هستند و از این طریق می‌توانند تأثیر عمیقی بر میزان وقوع خشونت و جرائم داشته باشند و تجربه‌ی امنیت شهری از مجموعه‌ی برخوردها و روابط رو در روی مردم با محیط پیرامونی، با تجربه‌ی تاریخی آنها در ارتباط با فضاهای شهری شکل می‌گیرد.

چنانکه لیتون در مدل خود که برای درک محیط ساخته شده نیازهای اساسی انسان را شرح می‌دهد و امنیت را به عنوان نیاز اساسی انسان‌ها در نظر می‌گیرد و مازلو نیز در سلسله مراتب نیازها که از قویترین تا ضعیفترین را پیشنهاد کرده، بر نقش امنیت تأکید کرده است و آن را پس از نیازهای فیزیولوژیک در مرتبه‌ی دوم قرار داده و مهمترین نقش محیط ساخته شده و فضاها را ایجاد سرپناه و امنیت عنوان کرده است (لنگ، ۱۳۸۳: ۹۶).

با وجود این، شهر تهران و سایر عواملی که ساخته و پرداخته‌ی آن هستند، دستخوش بی‌شکلی و نابسامانی هستند. در شهر تهران طبق آمار نیروی انتظامی، بر اساس خشونت‌های ثبت شده در سال ۱۳۸۷، حدود ۱۰۸ نقطه به عنوان فضاهای آلوده و جرم‌خیز وجود دارند که در این نقاط میزان خشونت‌ها بسیار زیاد و قابل توجه است. فضاهای بی‌دفاع در شهر تهران به علت رشد و گسترش فیزیکی و جمعیتی از یک سو و فرسودگی و تخریب مناطق قدیمی بسیار افزایش یافته است. از سویی دیگر، تلاش برای ایجاد و احیای فضاهای شهری در شهرهای کشور ما بخصوص در شهر تهران به عنوان یک کلانشهر که مورد هجوم مهاجران و در نتیجه بی‌برنامگی در توسعه‌ی موزون شده است، تاکنون چندان رضایت بخش نبوده است. به‌رغم آنکه تلاش‌های بسیاری صورت گرفته و سعی شده است که نظریات و مدل‌های آزموده شده‌ی دیگر کشورها در تهران پیاده شوند و پنداشت‌ها صورت عملی به خود بگیرند، اما تجربه‌ی جهانی نشان می‌دهد علاوه بر اینکه در تهران مکان‌های شهری بهتری نساخته‌ایم، بلکه مکان‌های شهری ساخته شده را نیز از بین

ادبیات نظری

تلاش در شناسایی علل وقوع خشونت و علل زمینه‌ساز، سبب توجه به تأثیر ابعاد فضایی وقوع جرائم شده است و نظریه‌پردازان و متولیان مبارزه با جرائم توجه خود را به خصوصیات و ویژگی‌های محیطی در کنترل و پیشگیری از خشونت و جرائم مبذول داشته‌اند. ایده‌ی اصلی تأثیر فضاها در خشونت و پیشگیری از خشونت از طریق تغییر فضا برای نخستین بار از سوی نیومن و جاکوبز شکل گرفت. کل هدف این ایده کنترل جرم بیشتر از کنترل مجرم بود. چشمان محققان بر روی فضاها و فیزیکی متمرکز بود و رابطه‌ی فضا با جرم سؤال مرکزی بود (تیموثی، ۲۰۰۶، ۱۷۴). چرا در بعضی از مکان‌ها جرائم و خشونت‌های بیشتری رخ می‌دهد؛ چرا در بعضی فضاها نوع خاصی از خشونت بیشتر رخ می‌دهد، یا افراد از آن مکان و فضاها ترس بیشتری نسبت به فضاهای دیگر دارند؟ (تایلور و همکاران، ۱۹۸۴: ۳۰۳).

پیشگیری از خشونت توسط ایجاد تغییرات در فضاهای شهری را می‌توان: طراحی مناسب و کاربردی مؤثر از فضا و محیط ساخته شده که به کاهش فرصت‌های مجرمانه، ترس از جرم و بهبود کیفیت زندگی منجر می‌شود، تعریف کرد. این تئوری مبتنی بر این اندیشه است که رفتار انسانی دارای بُعد فضایی است و در یک محیط فیزیکی و اجتماعی رخ می‌دهد. این تئوری تأکید می‌کند که با طراحی مناسب، بهینه سازی فرصت‌های نظارت، تعریفی مشخص و واضح از محیط و ایجاد تصویری مثبت از محیط می‌توان از وقوع خشونت جلوگیری کرد. نظریات مطرح شده در

این قالب در سه دسته ارائه شده‌اند: دسته اول تأکید بیشتر بر محیط فیزیکی دارند و در تبیین روابط، فرایندها و پدیده‌های اجتماعی، فضا را تعیین کننده می‌دانند و دنیای اجتماعی را بر حسب مقولات و تمایز فضایی آنها تحلیل می‌کنند. بر این اساس، بر تغییر در ابعاد فیزیکی فضاهای شهری تأکید دارند. تلاش جغرافیدانان و معماران در این طبقه قرار می‌گیرند. در حالی که دسته دوم محیط اجتماعی را با اهمیت می‌دانند و در نقطه مقابل دیدگاه اول بوده، در تبیین روابط و پدیده‌های اجتماعی، عوامل غیرفضایی ذهنی، فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی را عمده می‌کنند و بر تغییر در ابعاد غیرفیزیکی فضاهای شهری برای کنترل خشونت تأکید دارند. بسیاری از اندیشمندان علوم اجتماعی در این طبقه قرار می‌گیرند (افروغ، ۱۳۷۷: ۱۴-۱۵). اما در دهه‌های اخیر نظریات متعادل‌تری که در بین این دو طیف قرار دارند مطرح شده است که سعی در استفاده از هر دو دسته دیدگاه در تبیین علت فضایی وقوع خشونت دارند و ایجاد تناسب بین ویژگی‌های فیزیکی و اجتماعی فضاهای شهری را عاملی مهم در جلوگیری از خشونت می‌دانند.

نظریات و رویکردهای مطرح شده درباره‌ی تأثیر فضاهای بی‌دفاع شهری در بروز خشونت و در نتیجه راهکارهای کنترل و کاهش جرائم نیز با تأثیرپذیری از این سه رویکرد عنوان شده‌اند؛ یعنی تعدادی از نظریات به‌طور مجزا بر نقش ویژگی‌های فیزیکی فضاها در بروز خشونت تأکید دارند و در مقابل تعدادی نیز بر بُعد اجتماعی تأکید دارند و نظریاتی نیز در بین این دو طیف قرار داشته، بر هر دو بُعد فیزیکی

و اجتماعی فضاهای بی دفاع و آلوده در بروز خشونت تاکید دارند. از جمله‌ی این نظریه‌پردازان که بر هر دو بُعد تاکید دارد، اوسکار نیومن^۱ است که "فضای قابل دفاع"^۲ را مطرح کرده است. به عقیده‌ی وی، ویژگی‌های فیزیکی و اجتماعی طراحی با ایجاد ادراک در ناظر، به‌واسطه این ارزیابی که محیط در برابر جرم دفاع شده است، در مقابل این ارزیابی که در مقابل جرم آسیب‌پذیر است، در جرم مؤثر واقع می‌شود. ویژگی‌های فضاهای قابل دفاع شامل: مرزهای واقعی، مرزهای نمادین و فرصت‌های نظارتی است. به نظر وی آنچه در فضای ناآشنای مناطق کلانشهری بدان نیاز است، فضای قابل دفاع با تراکمی متوسط است؛ جایی که ساکنان محل را در دست دارند، کنترل می‌کنند و از رفتار جنایی پیشگیری می‌کنند (نیومن، ۱۹۹۶: ۵۴).

جین جاکوبس^۳ نیز بیان می‌کند که فضاهای شهری به گونه‌های متفاوت، سهم متفاوتی در خشونت و ترس از خشونت دارند. برخی فضاهای شهری فرصتی برای خشونت باقی نمی‌گذارند، اما برخی دیگر این‌گونه نیستند و فرصت‌های خشونت زیادی را فراهم می‌سازند (جیکوبز، ۱۳۸۶: ۳۵). به عقیده‌ی جان لنگ^۴ قرارگاه‌های رفتاری دارای دو عنصر اساسی‌اند:

۱- محیط فیزیکی: محیط فیزیکی ساختاری کالبدی است، مرکب از سطوح مرتبط به هم و متشکل در الگوهایی خاص که فضاهای باز و سبز، ساختمان‌ها، اتاق و چیدمان فضا را تشکیل می‌دهند و ۲- الگوی شاخص رفتار، که در آن رفتار فضایی مردم تا حدودی

تحت تأثیر تصاویر ذهنی از ساختار محیط است. ساختار محیط به میزان زیادی بر جهت‌یابی مردم در میان ساختمانها، محله‌ها و شهرها اثر می‌گذارد. مسیریابی در بعضی از محیط‌ها آسان‌تر از محیط‌های دیگر است و جنبه‌های اجتماعی و روانی جهت‌یابی، عوامل مهمی در احساس امنیت فردی هستند (لنگ، ۱۳۸۳: ۱۵۳). به نظر دیوید چپمن^۵ فضاهای معمولاً زمانی تأثیرگذارترند که به روشنی تعریف شده باشند، چرا که فضاهای تعریف شده در نوع تجربه‌ی فضا و احساسات امنیت و مطبوع بودن مشارکت دارند. وی فضاهای شهری تعریف شده را دارای ویژگی‌های توالی، تنوع، شگفتی، و مجرد بودن و احساس محصوریت می‌داند تا بتوانند امنیت و احساس امنیت ایجاد کنند (چپمن، ۱۳۸۶: ۱۷۹). راجر ترانسیک^۶ در کتاب خود با عنوان کشف فضاهای گمشده^۷ به مسأله فضاهای بی‌استفاده یا فضاهایی که استفاده‌ی کافی از آنها به عمل نمی‌آید، توجه می‌کند. از نظر او فضاهای شهری بی‌استفاده، فضاهایی هستند که هیچ‌گونه اثر مثبتی در محیط اطراف و استفاده‌کنندگان ندارند، فضاهایی که به طور ضعیفی تعریف شده‌اند، مرز و محدوده‌ی قابل اندازه‌گیری ندارند و میان عناصر شهر پیوستگی ایجاد نمی‌کنند و هیچ‌کس به حفظ آنها اهمیت نمی‌دهد و به ندرت استفاده می‌شوند (ترانسیک، ۱۹۸۶: ۱۱۸-۲۰۰).

یکی از نظریه‌پردازانی که بر ابعاد اجتماعی فضاهای بی‌دفاع تاکید دارد، پیترو دیکنز است. به نظر وی محل، محیط فیزیکی است که در آن تعامل رخ

¹ Oscar Newman

² defensible space

³ Jacobsen

⁴ John Long

⁵ Chapman

⁶ Transik

⁷ finding lost space

خود انتخاب می‌کنند، چرا که هر عملی با توجه به نوعش نیازمند مکانی مناسب از نظر اجتماعی و فیزیکی است (مرتضوی، ۱۳۸۰: ۶۹).

تیموثی در تحقیقی با عنوان زوال فیزیکی، بی‌نظمی و جرم^۴ ارتباط قابل توجهی بین بی‌نظمی و شرایط فیزیکی با جرم را نشان داده است که در آن رابطه‌ی مستقیم قوی بین بی‌نظمی و جرم و رابطه‌ی مستقیم متوسطی بین جرم با زوال فیزیکی وجود داشت. ویلسون و کلینک (۱۹۸۲)، در مطالعه‌ای با عنوان "پنجره‌های شکسته"^۵ در مجموع زوال فضای فیزیکی، مخصوصاً به همراه رفتارهای بی‌نظمانه را عامل وقوع جرائم و خشونت‌ها می‌دانند. به عقیده‌ی ویلسون و کلینک، زوال فیزیکی مجاور، در ترکیب با افزایش رفتارهای بی‌نظمانه، مکان‌هایی تولید می‌کند که برای جذب افرادی که مستعد غارتگری گوناگون-مانند رفتارهای مجرمان هستند جذاب است (تیموثی، ۲۰۰۶: ۱۷۴). سالی مری در تحقیقی با عنوان فضاهای قابل دفاع بی‌دفاع^۶، به بررسی رابطه‌ی جرم و فضاها پرداخته است. نتایج حاصل از تحلیل داده‌ها نشان داد که نیمی از سرقت‌ها در مناطقی اتفاق افتاده‌اند که نیومن آن فضاها را مستعد جرم و خشونت معرفی می‌کند. این فضاها در یافته‌های مری شامل: فضاهای پرت و دور افتاده‌ی دور از دید، فضاهای تنگ و باریک، راهروهای کم نور بین ساختمان‌ها، شکاف‌های موجود که امکان برداشتن چیزی را می‌دهد، پیاده-روهای در امتداد خیابان که با ستون‌های بتونی و فرو رفتگی‌های ممتد در هم ریخته و بی‌نظم بود که نیمی

می‌دهد و فضایی است که برای کاربرد خاصی تعبیه شده است. به عقیده‌ی وی، فضای فیزیکی در تأثیر بر زندگی مردم و مواجهه‌ی آنها با روابط و فرایندهای اجتماعی بسیار مهم است. محیط اطراف^۱ مردم به‌وسیله نظام‌های اجتماعی ساخته و پرداخته می‌شود. در اندیشه‌ی دیکنز فاصله‌های فیزیکی بین مردم و تخصیص فضاهای فیزیکی به انواع خاص فعالیت‌های اجتماعی، تأثیراتی بر فرایندها و روابط اجتماعی دارد. فضاهای مختلف برای فعالیت‌های خاص به لحاظ اجتماعی تخصیص می‌یابند. محله حامل نمادها و معانی اجتماعی مقبولند که به طور قابل ملاحظه‌ای روابط اجتماعی را متأثر می‌سازند (افروغ، ۱۳۷۷: ۸۲). آرکلارک^۲ خیابان‌های مناطق فقیرنشین، مکان‌های فاقد گشت پلیس، مکان‌های مخروبه و متروکه، کوچه‌ها و خیابان‌های تاریک و خلوت، خانه‌های خالی، مکان‌هایی که سابقه‌ی خشونت و وندالیسم در آنها بوده و بالاخره اشیاء و موضوع‌هایی که قبلاً در معرض تخریب قرار گرفته‌اند را فضاهایی می‌داند که احتمال بیشتری دارد خشونت و جرائم در آنها رخ دهد (محسنی تبریزی، ۱۳۸۳: ۱۶۴). رابرت زمر^۳ نیز بیان می‌کند که انتخاب جایگاه تابع تکلیف از یک سو و ویژگی‌های روان‌شناختی و شرایط فیزیکی از سوی دیگر است. برای مثال، گروه معتادان در انتخاب جایگاهی برای استفاده از ماده‌ی مخدر، جیب‌برها برای سرقت و بزهدار برای انجام بزه، کارتن خواب برای خواب و... تحت تأثیر شرایط فیزیکی-اجتماعی، جایگاه خاصی را برای به فعل رساندن نیاز و نیت

^۴ Physical Deterioration, Disorder

^۵ Broken Windows

^۶ defensible space undefensible

^۱ surrounding

^۲ Klark

^۳ Robert zomer

اصولاً هر پژوهشگری برای دست یافتن به اهداف تحقیق و پاسخگویی به سؤال‌های مطرح شده و با در نظر گرفتن میزان سهولت و نحوه کنترل متغیرهای مختلف، استراتژی‌های متفاوتی را برای انجام کندوکاو خود تدوین می‌کند. این همان چیزی است که کرلینجر طرح تحقیق می‌نامد و آن را نقشه یا استراتژی مهیاسازی و تدارک امور برای جمع‌آوری و تجزیه و تحلیل داده‌ها دانسته که کارکرد اصلی آن در واقع کمک به محقق برای هدایت درست تحقیق و جلوگیری از دخالت متغیرهای مزاحم است (کرلینجر، ۴۸:۱۳۷۶). در این تحقیق، به دلیل حادث شدن پدیده‌ها در زمان گذشته و همچنین، عدم توانایی در طراحی، طرح‌های آزمایشی، از مدل تحقیق علی پس از وقوع استفاده شده است که از روش‌های تحقیق نیمه تجربی است و هدف کشف و بررسی روابط بین عوامل و شرایط خاص یا نوعی رفتار که قبلاً وجود داشته یا روی داده است، از طریق مطالعه نتایج حاصل از آنها است (صدیق، ۴۱:۱۳۷۱).

ب - ابزار تحقیق و روش جمع آوری اطلاعات
تحقیق کیفی، بیش از هر چیزی با متن کار می‌کند. بنابراین، از اطلاعات مکتوب قبلی استفاده می‌شود یا با روش‌هایی مانند مصاحبه یا مشاهده اطلاعاتی تولید و مکتوب و سپس استفاده قرار می‌شود (یوفلیک، ۲۷:۱۳۸۲). در این تحقیق ابزارهای مورد استفاده "مشاهده نامه" و "اسناد" است. مهمترین جنبه‌ی مثبت مشاهده این است که به‌طور مستقیم پدیده را به بررسی می‌نهد تا این امکان را فراهم سازد که پدیده آن‌طور که واقع می‌شود، مشاهده گردد. از سوی دیگر، در میان امور و پدیده‌های اجتماعی، گروهی وجود دارند که دسترسی به آنها غیرممکن است، مگر

از جرائم رخ داده را به خود اختصاص داده بودند (مری، ۱۹۸۱، ۴۰۴).

نیومن و فرانک در سال ۱۹۸۰ در تحقیقی با عنوان فاکتورهای مؤثر در جرم و بی‌ثباتی، نشان دادند که دو عامل فیزیکی انداره‌ی گسترش و تعداد خانواده‌های شریک در ساختمان و دو عامل اجتماعی درصد خانواده‌های تحت پوشش دولت و نسبت نوجوانان به بزرگسالان، بیشتر از متغیرهای دیگر در ایجاد فضاهای بی‌دفاع مؤثرند (نیومن، ۱۹۹۶: ۲۸).

طبق نظریات مطرح شده و مطالعات انجام گرفته می‌توان گفت که از نظر این اندیشمندان حفظ امنیت شهر، وظیفه‌ی اساسی فضاهای یک شهر است و تلاش در جستجوی راه‌های مؤثر در کاهش فضاهای بی‌دفاع شهری به جهت نقش مؤثری است که آن‌گونه فضاها می‌توانند در جامعه و در ایجاد امنیت ایفا کنند. یک موضوع مشترک در این مطالعات مختلف و متفاوت؛ تلاش در شناسایی ویژگی‌های مداخله‌گر در بی‌دفاع شدن فضاهای شهری و پررنگ کردن هر دسته از ویژگی‌هاست. بر این اساس، با توجه به نظریات مطرح شده ویژگی‌های فیزیکی و اجتماعی فضاهای بی‌دفاع شهری کدام است؟ چه تفاوت‌هایی در ویژگی‌های فیزیکی فضاهای بی‌دفاع بر اساس نوع خشونت وجود دارد؟ چه تفاوت‌هایی در ویژگی‌های اجتماعی فضاهای بی‌دفاع بر اساس نوع خشونت وجود دارد؟ چه عواملی دارای نقش بیشتر در بی‌دفاع شدن فضاها دارند؟ کدام عوامل سبب تفاوت در نوع خشونت در فضای خاصی می‌شوند.

روش‌شناسی

الف - طرح تحقیق

توجه به اهداف تحقیق و امکان دسترسی و محدودیت زمانی و مالی ۱۲ فضای شهری عمومی از میان ۱۰۸ فضای شهری عمومی آلوده یا جرم خیز تهران است؛ شامل:

سرقت: بلوار هجرت، خیابان اتابک و پارک ولیعصر؛

مزاحمت: خیابان اسدآبادی، نبش خیابان بهار و چهار راه ولیعصر؛

نزاع و درگیری: میدان مقدم، میدان ابوذر و پارک ۲۲ بهمن؛

کیف‌قاپی: زیر پل سیدخندان، پارک شریعی و خیابان خواجه عبدالله انصاری.

د - زمان و مکان تحقیق

این تحقیق در برهه‌ی زمانی ۹ ماهه و مشاهده‌ی میدانی آن در آبان ماه ۱۳۸۷ انجام شده است. مکان تحقیق حاضر نیز شامل ۲۲ منطقه شهرداری شهر تهران است.

یافته‌های تحقیق

الف - ویژگی‌های فیزیکی و اجتماعی فضاهای بی‌دفاع مشاهده شده

جدول زیر ویژگی‌های مشاهده شده در فضاهای بی‌دفاع یا جرم‌خیز است. این ویژگی‌ها در اغلب فضاها یا در مورد خاصی از فضاها در شدت‌های مختلف مشاهده شده‌اند. این ویژگی‌ها با توجه به تقسیمات انجام شده در مطالعات گذشته در قالب دو دسته ویژگی‌های فیزیکی و اجتماعی قرار گرفته‌اند. ویژگی‌های فیزیکی دسته‌ای هستند که در تعریف آنها بُعد فیزیکی و مادی آشکارتر است و ویژگی‌های اجتماعی، ویژگی‌هایی هستند که در آنها عامل انسان و شرایط انسانی محور تعریف است.

به‌وسیله‌ی مدارک و اسناد موجود. این پدیده‌ها و امور پدیده‌های تاریخی هستند که در گذشته واقع شده‌اند (مرتضوی، ۱۳۵۲:۱۶۱). در این تحقیق از آنجایی که "خشونت" در گذشته در فضاهای مختلفی رخ داده است، برای جمع‌آوری اطلاعات مورد نیاز در مرحله‌ی اول از روش اسنادی (اسناد و مدارک نیروی انتظامی) و در مرحله‌ی دوم از روش مشاهده (مشاهده‌ی فضاهایی که خشونت‌ها در آن به وقوع پیوسته است) استفاده شده است.

ج - فضاهای مطالعه شده

کل فضاهای آلوده یا جرم خیز، شامل ۱۰۸ نقطه خشونت‌ی یا آلوده‌ی مناطق بیست و دو گانه‌ی شهر تهران در سال ۱۳۸۶ و نیمه ۱۳۸۷ است که بر مبنای خشونت‌های ثبت شده در کلانتری‌های شهر تهران در سال ۱۳۸۶ و نیمه‌ی اول سال ۱۳۸۷ به عنوان نقاط خشونت‌ی یا (جرم خیز) آلوده‌ی شهر تهران از سوی فرماندهی انتظامی تهران بزرگ معرفی شده‌اند.

در روش کیفی موضوع روش نمونه‌گیری در مراحل مختلفی از فرایند تحقیق ظاهر می‌شود. در یک مشاهده، نمونه‌گیری به تصمیم درباره‌ی اینکه کدام جنبه از پدیده‌ی مورد نظر و تا چه زمانی و تا چه ابعادی مشاهده گردد، منتهی می‌شود. همچنین، در طول تفسیر اطلاعات، مجدداً با تصمیم‌گیری درباره‌ی اینکه کدام یک از قسمت‌های داده‌های جمع‌آوری شده برای تفسیر یا تفسیرهای جزئی ویژه انتخاب شوند، نمونه‌گیری انجام می‌شود. سرانجام نمونه‌گیری هنگام ارائه‌ی یافته‌ها ظاهر می‌شود که کدام قسمت متن بهتر می‌تواند برای توصیف یافته‌ها استفاده شود. (یوفلیک، ۱۳۸۲:۷۸). همچنین، حجم نمونه در تحقیقات کیفی اشباع نظری است، اما در این پژوهش فضاهای مورد مطالعه بر اساس نوع خشونت و با

جدول شماره ۱- ویژگی‌های مشاهده شده در فضاهای بی دفاع

ویژگی‌های اجتماعی	ویژگی‌های فیزیکی
عدم حضور یا استفاده‌ی مستمر خلوتی شلوغی ازدحام خالی بودن از حضور انسان عدم حضور مامور یا مسئول بی‌نظمی فعالیتی کاهش قابلیت‌های کنترل و نظارت از سوی مردم کمی ارتباط مردم با فضا و نبودن این ارتباط تراکم فعالیتی	کمبود و فقدان نور و روشنایی ساختمان‌های مخروطی ساختمان‌های نیمه‌کاره رؤیت بصری محدود شده بی‌نظمی فیزیکی فرصت‌های نظارت و کنترل محدود گنج و گوشه پیچ و خم محاط بودگی و محصوریت مجاورت با فضاهای نمایان تراکم ساختمانی کم بودن ساختمان نداشتن مرز و محدود مشخص توالی و امتداد نقاط فرو رفته و برآمده

ب- ویژگی‌های فیزیکی فضاهای بی دفاع مشاهده شده و تفاوت‌های موجود در ویژگی‌ها بر اساس نوع خشونت
جدول شماره ۲- ویژگی‌های فیزیکی مشاهده شده به تفکیک نوع خشونت غالب

مزاحمت	سرقت	کیف قایبی	نزاع و درگیری
روشنایی و نور کم ساختمان‌های در معرض تخریب وجود ساختمان‌های نیمه‌کاره رویت بصری ضعیف بی‌نظمی فیزیکی وجود محصوریت محدودیت فرصت‌های نظارت کنترل وجود گنج و گوشه تراکم ساختمانی وجود پیچ و خم پیوند ارتباطی با فضاهای نمایان -	روشنایی و نور کم ساختمان‌های در معرض تخریب وجود ساختمان‌های نیمه‌کاره رویت بصری ضعیف بی‌نظمی فیزیکی وجود محصوریت محدودیت فرصت‌های نظارت کنترل وجود گنج و گوشه تراکم ساختمانی وجود پیچ و خم پیوند ارتباطی با فضاهای نمایان -	- ساختمان‌های در معرض تخریب وجود ساختمان‌های نیمه‌کاره رویت بصری ضعیف بی‌نظمی فیزیکی وجود محصوریت محدودیت فرصت‌های نظارت کنترل وجود گنج و گوشه -	روشنایی و نور کم ساختمان‌های در معرض تخریب وجود ساختمان‌های نیمه‌کاره رویت بصری ضعیف بی‌نظمی فیزیکی وجود محصوریت محدودیت فرصت‌های نظارت کنترل وجود گنج و گوشه تراکم ساختمانی وجود پیچ و خم -
- نداشتن مرز و محدوده‌ی مشخص -	نداشتن مرز و محدوده‌ی مشخص -	نداشتن مرز و محدوده‌ی مشخص -	وجود نقاط فرو رفته و یا برآمده -
- توالی و امتداد زیاد	-	-	کم بودن ساختمان‌ها -

مرز و محدود مشخص و کم بودن ساختمان‌ها نیز از ویژگی‌های تفکیک‌کننده‌ی فضاهای دارای نزاع و درگیری از دیگر فضاها هستند. توالی و امتداد نیز از ویژگی‌های متمایزکننده‌ی فضاهای دارای مزاحمت از دیگر فضاها است.

ج- ویژگی‌های اجتماعی فضاهای بی دفاع مشاهده شده و تفاوت‌های موجود در ویژگی‌ها بر اساس نوع خشونت

جدول مذکور نشان می‌دهد که اکثر فضاها به تفکیک نوع خشونت غالب، اغلب دارای ویژگی‌های مشترک هستند، اما در چندین مورد نیز دارای تفاوت هستند. وجود روشنایی و نور مناسب و عدم تراکم ساختمانی از ویژگی‌هایی هستند که فضاهای دارای کیف‌قایی را از دیگر فضاها تفکیک می‌کند. عدم پیوند ارتباطی با فضاهای نمایان، وجود نقاط فرو رفته و یا برآمده، داشتن

جدول شماره ۳- ویژگی‌های اجتماعی مشاهده شده به تفکیک نوع خشونت غالب

مزاحمت	سرقت	کیف‌قایی	نزاع و درگیری
خلوت بودن	خلوت بودن	خلوت بودن	خلوت بودن
شلوغ بودن	شلوغ بودن	شلوغ بودن	شلوغ بودن
وجود ازدحام	وجود ازدحام	وجود ازدحام	وجود ازدحام
بی‌نظمی فعالیتی	بی‌نظمی فعالیتی	بی‌نظمی فعالیتی	بی‌نظمی فعالیتی
تراکم فعالیت‌ها	-	تراکم فعالیت‌ها	تراکم فعالیت‌ها
-	نبود مامور یا گشت‌زن	نبود مامور یا گشت‌زن	نبود مامور یا گشت‌زن
نبود مستمر افراد	نبود مستمر افراد	نبود مستمر افراد	-
خالی بودن از حضور انسان	خالی بودن از حضور انسان	خالی بودن از حضور انسان	-
-	کمی ارتباط مردم با فضا	کمی ارتباط مردم با فضا	-
کم بودن قابلیت‌های نظارت و کنترل از سوی مردم	کم بودن قابلیت‌های نظارت و کنترل از سوی مردم	کم بودن قابلیت‌های نظارت و کنترل از سوی مردم	کم بودن قابلیت‌های نظارت و کنترل از سوی مردم

د- شناسایی عوامل اصلی بر اساس فیزیکی و اجتماعی و اولویت بندی عوامل اصلی همان‌طور که در جدول شماره ۱ مشاهده شد ویژگی‌های بی‌دفاع‌کننده‌ی فضاها برای وقوع خشونت متنوع و فراوان هستند. همچنین، ارائه ویژگی‌های فضاهای بی‌دفاع بر اساس نوع خشونت در جدول‌های بعدی نشان می‌دهد که اغلب ویژگی‌ها در اکثر فضاها وجود دارند و تنها در چند مورد دارای تفاوت با یکدیگر هستند. بر این اساس، برای بررسی دقیق تفاوت‌ها و پاسخ به این سؤال‌ها که چه عواملی سبب تفاوت در نوع خشونت در فضاهای بی‌دفاع

جدول مذکور نشان می‌دهد که اکثر فضاها به تفکیک نوع خشونت غالب، تا حدودی دارای ویژگی‌های متفاوتی هستند؛ چنانکه فضاهای دارای کیف‌قایی فاقد تراکم فعالیتی هستند و فعالیت چندانی در این فضاها وجود ندارد و فضاهای دارای مزاحمت فاقد حضور مامور بوده، دارای ارتباط زیاد مردم با فضاها هستند. فضاهای دارای نزاع و درگیری دارای حضور مستمر افراد بوده، در اغلب ساعات به صورت دائم افرادی در آنها به دلایل مختلفی حضور دارند و از حضور انسان حتی برای اندک زمانی خالی نیستند. همچنین، دارای ارتباط زیاد مردم با فضاها هستند.

که در "شدت قابل توجه" در یک یا چند فضا مشاهده می‌شوند با عنوان "عوامل اصلی" نامیدیم که در جدول شماره ۴ با نوع فضاهای (بر اساس خشونت) مشاهده شده، ارائه شده است.

مختلف می‌شوند و کدام دسته از عوامل فیزیکی و اجتماعی در وقوع نوع خاصی از خشونت دارای نقش بیشتری هستند ویژگی‌های مشاهده شده را بر اساس میزان شدت مورد توجه قرار دادیم و ویژگی‌هایی را

جدول شماره ۴- ویژگی‌های اصلی فضاهای بی دفاع شهری

ویژگی‌های اجتماعی اصلی	ویژگی‌های فیزیکی اصلی
۴- خلوتی فضا [مزاحمت، کیف قاپی، نزاع و درگیری و سرقت]	۳- پیچ و خم [مزاحمت، کیف قاپی و سرقت]
۳- تراکم فعلیتی [مزاحمت، نزاع و درگیری و سرقت]	۳- ارتباط و اتصال با فضاهای نمایان [مزاحمت، کیف قاپی و سرقت]
۳- محدود بودن قابلیت‌های نظارت و کنترل از سوی مردم [کیف قاپی، سرقت، نزاع و درگیری]	۲- توالی و امتداد [مزاحمت و سرقت]
۲- شلوغ بودن فضا [مزاحمت، نزاع و درگیری]	۲- فرصت‌های نظارت و کنترل محدود شده [کیف قاپی و سرقت]
۲- بی نظمی فعلیتی [مزاحمت و سرقت]	۲- تراکم ساختمانی [سرقت، نزاع و درگیری]
۲- نبود مامور و مسئول [کیف قاپی، نزاع و درگیری]	۱- عدم ارتباط با فضاهای نمایان [نزاع و درگیری]
۲- نبود مستمر افراد [مزاحمت، کیف قاپی]	۱- فقدان نور و روشنایی متناسب [سرقت]
۱- خالی بودن از حضور افراد [کیف قاپی]	۱- بی نظمی فیزیکی [سرقت]
۱- عدم ارتباط مردم با فضا [کیف قاپی]	۱- گنج و گوشه [سرقت]
۱- ازدحام [نزاع و درگیری]	۱- کمبود ساختمان [سرقت]
	۱- رؤیت بصری محدود شده [سرقت]
	۱- محاط بودگی فضا [سرقت]
	۱- محصوریت فضا [سرقت]

بی‌دفاع بودن و در نتیجه مستعد بودن فضاها برای وقوع خشونت بالاست.

در جدول فوق، ویژگی‌ها بر اساس تعداد دفعات مشاهده شده در شدت زیاد، با توجه به نوع خشونت ارائه شده است. بر این اساس، عوامل اصلی را که در هر چهار فضا (بر اساس نوع خشونت) مشاهده می‌شوند، به عنوان عامل‌های "عمومی" (که با شماره ۴ مشخص شده‌اند)، عوامل اصلی را که در سه فضا مشاهده می‌شوند، به عنوان عامل‌های "نیمه عمومی" (که با شماره ۳ مشخص شده‌اند)، عامل‌هایی را که در دو فضا مشاهده می‌شوند، به عنوان عوامل "نیمه اختصاصی" (که با شماره ۲ مشخص شده‌اند) و در

برای تعیین شدت و تاثیر ویژگی‌های بی‌دفاع‌کننده‌ی اصلی و تعیین میزان تاثیر عوامل اصلی و اولویت‌بندی عوامل، "تعداد دفعات تکرار" در شدت زیاد در هر فضا را به عنوان معیاری برای میزان تاثیر بیشتر هر عامل در بی‌دفاع کردن فضاها "در مجموع و بدون توجه به نوع خشونت" در نظر گرفتیم. البته، باید توجه داشت که عوامل در این سطح به صورت رتبه‌ای بوده، میزان تاثیر بیشتر یا کمتر مشخص نیست، بلکه تنها بیشتر و کمتر بودن از یکدیگر مورد نظر است. مشاهده‌ی جدول نشان می‌دهد از میان ۲۵ عامل مشاهده شده، ۲۲ عامل در شدت زیاد در یک یا چند فضا مشاهده می‌شوند، که این امر نشان می‌دهد شدت

نهایت، عواملی را که در یک فضا مشاهده می‌شوند، به عنوان عوامل " اختصاصی " (که با شماره ۱ مشخص شده‌اند) که مُختَص وقوع یک نوع خشونت، هستند در نظر گرفته‌ایم.

مشاهده‌ی عوامل اصلی نشان می‌دهد که یک عامل عمومی، چهار عامل نیمه‌عمومی، هفت عامل نیمه‌اختصاصی و یازده عامل نیز اختصاصی هستند. بر این اساس عوامل اختصاصی بیشترین تعداد عوامل اصلی را تشکیل می‌دهند و عوامل نیمه‌اختصاصی و نیمه عمومی نیز در رده‌های بعدی قرار دارند. مقایسه‌ی عوامل نیمه‌عمومی بر اساس فیزیکی و اجتماعی نشان می‌دهد که از میان چهار عامل دو عامل متعلق به دسته‌ی فیزیکی بوده، دو عامل نیز اجتماعی هستند. همچنین، مقایسه‌ی عوامل نیمه‌اختصاصی نیز نشان می‌دهند که از میان هفت عامل، چهار عامل اجتماعی و سه عامل فیزیکی هستند که عوامل اجتماعی بیشتر نیمه‌اختصاصی هستند. در نهایت، مقایسه‌ی یازده عامل اختصاصی نشان می‌دهد که هشت عامل فیزیکی و سه عامل اجتماعی هستند. این امر نشان دهنده‌ی آن است که ویژگی فیزیکی فضاهای بی‌دفاع با یکدیگر متفاوت بوده، اکثر عوامل فیزیکی مختص فضای خاصی هستند و فضاهای بی‌دفاع با یکدیگر متفاوتند. در این دسته‌بندی، عامل‌های عمومی "در مجموع" و "بدون توجه به نوع خشونت"، تأثیر و نقش بیشتری نسبت به دیگر عوامل اصلی در بی‌دفاع کردن فضاها برای وقوع خشونت دارند و عامل‌های نیمه عمومی نیز "در مجموع" نقش و تأثیر بیشتری نسبت به عامل‌های نیمه‌اختصاصی و اختصاصی و نقش و تأثیر کمتری نسبت به عامل‌های عمومی در بی‌دفاع کردن فضاها دارند. همچنین، عامل‌های نیمه‌اختصاصی "در مجموع" نقش و تأثیر بیشتری نسبت به عامل‌های اختصاصی و نقش و تأثیر کمتری

نسبت به عوامل عمومی و نیمه عمومی در بی‌دفاع کردن فضاها دارند. البته، باید در نظر داشت که این تأثیر و نقش عامل‌ها بدون در نظر گرفتن نوع خشونت است و بر اساس "نوع خشونت" این تأثیر و نقش‌ها برعکس می‌شود؛ یعنی عامل‌های اختصاصی تأثیر بیشتری در "وقوع نوع خاصی از خشونت" و بی‌دفاع کردن فضاها به "نوع خاصی از خشونت" نسبت به دیگر عوامل دارند و عوامل نیمه اختصاصی نیز در بی‌دفاع کردن فضاها به "نوع خاصی از خشونت" نسبت به عوامل نیمه‌عمومی و عمومی تأثیر بیشتری دارند، اما نقش و تأثیر کمتری از عوامل اختصاصی دارند. همچنین، عوامل نیمه‌عمومی تأثیر بیشتری از عوامل عمومی در بی‌دفاع کردن فضاها به "نوع خاصی از خشونت" دارند.

به‌طور خلاصه، می‌توان گفت که عوامل عمومی با توجه به نوع خشونت دارای تأثیر و نقش چندانی نیستند. به بیانی دیگر، فضاها را مستعد نوع خاصی از خشونت نمی‌کنند، بلکه فضاها را "بدون توجه به نوع خشونت" بی‌دفاع می‌کنند. همچنین، عوامل نیمه‌عمومی نیز در سطح و شدت کمتر مانند عوامل عمومی عمل می‌کنند، اما عوامل اختصاصی دارای نقش و تأثیر زیادی در بی‌دفاع کردن فضاها "نسبت به نوع خاصی از خشونت" هستند و فضاها را بیشتر از آنکه فقط مُستعد خشونت سازند، مستعد "نوع خاصی از خشونت" می‌سازند و موجب تفاوت نوع خشونت‌های حادث شده در فضاهای مختلف می‌شوند. همچنین، عوامل نیمه‌اختصاصی نیز در سطح و شدت کمتر، مانند عوامل اختصاصی عمل می‌کنند. بنابراین، عوامل عمومی و نیمه عمومی اصلی "شدت دهنده" به بی‌دفاع بودن فضاها هستند و عوامل نیمه‌اختصاصی و اختصاصی اصلی "جهت دهنده" به بی‌دفاع شدن فضاها به نوع خاصی از خشونت هستند.

ه - بررسی نقش عوامل فیزیکی و اجتماعی اصلی در جهت‌دهی به نوع خشونت
برای پاسخ به سؤال مطرح شده که چه عواملی سبب تفاوت در نوع خشونت در فضاهای بی‌دفاع مختلف می‌شوند و کدام یک از عوامل فیزیکی - اجتماعی در

وقوع نوع خاصی از خشونت دارای نقش بیشتری هستند، ویژگی‌های اصلی مشاهده شده را بر اساس نوع خشونت مورد توجه قرار داده‌ایم.

مزاحمت

جدول شماره ۵- ویژگی‌های اصلی فضاهای دارای مزاحمت

ویژگی‌های اجتماعی	ویژگی‌های فیزیکی
عدم حضور مستمر افراد ۲ خلوتی ۴ شلوغی ۲ بی‌نظمی فعالیتی ۲ تراکم فعالیتی ۳	پیچ و خم ۳ ارتباط و اتصال با فضاهای نمایان ۳ توالی و امتداد ۲

فیزیکی، جزو عوامل نیمه‌عمومی هستند که این عوامل از عوامل مُختص به وجود آورنده‌ی مزاحمت نیستند و بیشتر شدت‌دهنده هستند تا جهت دهنده. بنابراین، می‌توان گفت وقوع مزاحمت به شرایط فیزیکی چندانی نیاز ندارد و بیشتر نیازمند شرایط اجتماعی مناسب است. و شرایط اجتماعی در وقوع مزاحمت نقش بیشتری از عوامل فیزیکی دارد.

جدول فوق نشان می‌دهد که فضاهای دارای مزاحمت، هشت عامل اصلی دارند که از میان آنها، سه عامل فیزیکی و پنج عامل اجتماعی است. همان‌طور که مشاهده می‌شود، عوامل اجتماعی بیشتر از عوامل فیزیکی فضاها را برای وقوع مزاحمت بی‌دفاع می‌کنند و عوامل فیزیکی کمتر در وقوع مزاحمت نسبت به عوامل اجتماعی نقش دارند. در مقابل بیشتر عوامل **کیف قاپی**

جدول شماره ۶- ویژگی‌های اصلی فضاهای دارای کیف قاپی

ویژگی‌های اجتماعی	ویژگی‌های فیزیکی
عدم حضور مستمر افراد ۲ خلوتی ۴ عدم حضور مامور و مسؤول ۲ خالی بودن از حضور افراد ۱ ارتباط کم مردم با فضا ۳ محدود بودن قابلیت‌های نظارت و کنترل از سوی مردم ۱	فرصت‌های نظارت و کنترل محدود شده ۲ پیچ و خم ۳ ارتباط و اتصال با فضاهای نمایان ۳

هستند. بنابراین، وقوع کیف قاپی به شرایط فیزیکی چندانی در مقایسه به شرایط اجتماعی نیاز ندارد و بیشتر نیازمند شرایط اجتماعی مناسب است و عوامل اجتماعی نقش بیشتری در مُستعد کردن فضاها برای وقوع کیف قاپی دارند.

جدول فوق نشان می‌دهد که فضاهای دارای کیف‌قاپی، ۸ عامل اصلی دارند که از میان آنها سه عامل فیزیکی بوده و شش عامل اجتماعی هستند. همان‌گونه که مشاهده می‌شود، عوامل اصلی اجتماعی در فضاهای دارای کیف‌قاپی بیشتر از عوامل فیزیکی

شدت‌دهنده هستند. بنابراین، می‌توان گفت وقوع کیف قاپی به شرایط فیزیکی چندانی نیاز ندارد و بیشتر نیازمند شرایط اجتماعی مناسب است و شرایط اجتماعی در وقوع کیف قاپی نقش بیشتری از شرایط فیزیکی دارد.

سرقت

از سوی دیگر، از میان عوامل بی‌دفاع‌کننده‌ی اصلی مشاهده شده در فضاهای دارای نرخ بالای کیف قاپی به جز خلوتی و ارتباط کم مردم با فضا، چهار عامل دیگر اجتماعی اختصاصی و نیمه‌اختصاصی؛ یعنی جهت دهنده هستند، در حالی که اغلب عوامل فیزیکی، نیمه‌عمومی؛ یعنی

جدول شماره ۷- ویژگی‌های اصلی فضاهای دارای سرقت

ویژگی‌های اجتماعی	ویژگی‌های فیزیکی
خلوتی ۴ بی‌نظمی فعالیتی ۲ تراکم فعالیتی ۳ محدود بودن قابلیت‌های نظارت و کنترل از سوی مردم ۳	کمبود نور و روشنایی ۱ محدود بودن رؤیت بصری ۱ بی‌نظمی فیزیکی ۱ محصوریت ۱ گنج و گوشه ۱ پیچ و خم ۱ محاط بودگی ۱ تراکم ساختمانی ۲ کمبود ساختمان ۱ توالی و امتداد ۲ ارتباط و اتصال با فضاهای نمایان ۳ محدود بودن فرصت‌های نظارت و کنترل ۲

جدول فوق نشان می‌دهد که فضاهای دارای سرقت، نشان‌دهنده‌ی آن است که وقوع سرقت به شرایط اجتماعی چندانی نیاز ندارد و بیشتر نیازمند شرایط فیزیکی مناسب است و عوامل فیزیکی نقش بیشتری در مستعد کردن فضاها برای وقوع سرقت دارند.

نزاع و درگیری

شازنده عامل اصلی دارند که از میان آنها دوازده عامل فیزیکی و چهار عامل اجتماعی هستند. همان‌طور که مشاهده می‌شود، عوامل اصلی فیزیکی در فضاهای دارای سرقت بیشتر از عوامل اجتماعی هستند که این

جدول شماره ۸- ویژگی‌های اصلی فضاهای دارای نزاع و درگیری

ویژگی‌های اجتماعی	ویژگی‌های فیزیکی
خلوتی ۴ شلوغی ۲ ازدحام ۱ عدم حضور مامور و مسئول ۲ محدود بودن قابلیت‌های نظارت و کنترل از سوی مردم ۳ تراکم فعالیتی ۱	تراکم ساختمانی ۲ عدم ارتباط و اتصال با فضاهای نمایان ۲

خشونت و پاسخگویی به سؤال‌هایی از این قبیل پرداخته شود که چه تفاوت‌هایی در ویژگی‌های فیزیکی فضاهای بی‌دفاع بر اساس نوع خشونت وجود دارد؟ چه تفاوت‌هایی در ویژگی‌های اجتماعی فضاهای بی‌دفاع بر اساس نوع خشونت وجود دارد؟ چه عواملی دارای نقش بیشتری در بی‌دفاع شدن فضاها هستند؟ و کدام یک از عوامل سبب تفاوت در نوع خشونت در فضای خاصی می‌شود؟

فضاهای بی‌دفاع شهری دارای ویژگی‌های متعددی هستند که آنها را بی‌دفاع می‌کنند. این ویژگی‌ها بر اساس نوع خشونت در اکثر فضاهای بی‌دفاع وجود دارند و تنها در چند مورد دارای تفاوت با یکدیگر هستند.

وجود روشنایی و نور مناسب و عدم تراکم ساختمانی از ویژگی‌هایی هستند که فضاهای دارای کیفیت‌قایی را از دیگر فضاها تفکیک می‌کنند. عدم پیوند ارتباطی با فضاهای نمایان، وجود نقاط فرو رفته و یا برآمده، داشتن مرز و حدود مشخص و کم بودن ساختمان‌ها نیز از ویژگی‌های تفکیک‌کننده‌ی فضاهای دارای نزاع و درگیری از دیگر فضاها هستند. توالی و امتداد نیز از ویژگی‌های متمایزکننده‌ی فضاهای دارای مزاحمت از دیگر فضاها هستند. فضاهای دارای کیفیت‌قایی فاقد تراکم فعالیتی هستند، فضاهای دارای مزاحمت فاقد حضور مأمور بوده، دارای ارتباط زیاد مردم با فضاها هستند و فضاهای دارای نزاع و درگیری دارای حضور مستمر افراد بوده، از حضور انسان حتی برای اندک زمانی خالی نیستند. همچنین، دارای ارتباط زیاد مردم با فضاهاست.

جدول فوق نشان می‌دهد که فضاهای دارای نزاع و درگیری هشت عامل اصلی دارند که از میان آنها دو عامل فیزیکی و شش عامل اجتماعی هستند. همان‌طور که مشاهده می‌شود، عوامل اصلی اجتماعی در فضاهای دارای نزاع و درگیری بیشتر از عوامل فیزیکی هستند که این امر نشان می‌دهد وقوع نزاع و درگیری به شرایط فیزیکی چندانی نیاز ندارد و بیشتر نیازمند شرایط اجتماعی مناسب است.

از سوی دیگر، از میان عوامل بی‌دفاع‌کننده‌ی اصلی مشاهده شده در فضاهای دارای نرخ بالای سرقت به جز خلوتی و محدود بودن قابلیت‌های نظارت و کنترل از سوی مردم، اکثر عوامل اجتماعی، اختصاصی و نیمه‌اختصاصی؛ یعنی جهت دهنده هستند. همچنین، دو عامل فیزیکی نیز از عوامل نیمه‌اختصاصی؛ یعنی جهت دهنده هستند، ولی تراکم ساختمانی از نظر منطقی نمی‌تواند تأثیری مستقیم بر وقوع نزاع و درگیری داشته باشد و در واقع، تراکم ساختمانی موجب تراکم افراد می‌شود. بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که عوامل اجتماعی در وقوع نزاع و درگیری دارای نقش بیشتری هستند، و به بیانی دیگر، جهت‌دهنده‌تر و شدت دهنده‌تر از عوامل فیزیکی هستند.

بحث و نتیجه‌گیری

در این مقاله تلاش بر این بود که با استفاده از رویکردهای نظری و تجربی مربوط به فضاهای بی‌دفاع شهری به‌طور اخص، به شناسایی ویژگی‌های فضاهای بی‌دفاع و تبیین رابطه‌ی ویژگی‌ها با نوع



در بعضی از فضاها (بر حسب نوع خشونت)، در شدت زیاد و در فضاهایی نیز به صورت جزئی مشاهده می‌شوند. علاوه بر این، ویژگی‌های مشاهده شده بر

بیشتر ویژگی‌ها در شدت‌های کم و زیاد در اکثر فضاهای بی‌دفاع وجود دارند، اما، اغلب آنها بر اساس نوع خشونت دارای شدت‌های متفاوتی هستند؛ چنان‌که

وقوع کیف‌قاپی و نزاع و درگیری دارند، اما عوامل فیزیکی نقش بیشتری در مُستعد کردن فضاها برای وقوع سرقت دارند. بنابراین، راهکارهای معطوف به کاهش خشونت از طریق طراحی شهری باید بر هر دو بُعد فیزیکی و اجتماعی فضاها، به‌طور همزمان توجه کند تا بتواند بیشترین تأثیر را بر کاهش خشونت و جرائم از طریق طراحی شهری و مداخله در محیط اطراف بگذارد.

منابع

- ۱- افروغ، عماد. (۱۳۷۷). *فضا و نابرابری اجتماعی*، تهران: نشر دانشگاه تربیت مدرس.
 - ۲- احمدی، حبیب. (۱۳۷۷). *نظریه های انحرافات اجتماعی*، شیراز: انتشارات زر.
 - ۳- بحرینی، حسین. (۱۳۶۸). *معنی و سازگاری در طراحی شهری*، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
 - ۴- پارسی، حمیدرضا. (۱۳۷۹). *فضای شهری، حیات مدنی و نیروهای اجتماعی- فرهنگی*، رساله دکتری شهرسازی، دانشکده هنرهای زیبا، دانشگاه تهران.
 - ۵- پودراتچی، مصطفی. (۱۳۷۲). *فضاهای بدون دفاع*، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد، دانشکده هنرهای زیبا، دانشگاه تهران.
 - ۶- جیکوبز، جین. (۱۳۸۶). *مرگ و زندگی شهرهای بزرگ/ امریکایی*، ترجمه: حمید رضا پارسی و آرزو افلاطونی، تهران: [بی‌نا].
 - ۷- چپمن، دیوید. (۱۳۸۶). *آفرینش محلات و مکان‌ها در محیط انسان ساخت*، ترجمه: شهرزاد فریادی و منوچهر طیبیان، دانشگاه تهران، چاپ دوم.
 - ۸- راپوپورت، آموس. (۱۳۸۴). *معنی محیط ساخته شده*، ترجمه: فرح حبیب، نشر پردازش و برنامه ریزی شهری.
- حسب تعداد دفعات تکرار نیز با یکدیگر تفاوت دارند، چنان‌که یک ویژگی تنها در فضاها یک نوع خشونت با شدت زیاد مشاهده می‌شود، در حالی‌که ویژگی دیگری در دو یا سه فضا و حتی در چهار نوع فضا با شدت زیاد مشاهده می‌شود. بنابراین، فضاها بی‌دفاع شهری بر حسب شدت و دفعات تکرار در چهار دسته ویژگی‌های عمومی، نیمه‌عمومی، اختصاصی و نیمه‌اختصاصی قابل دسته‌بندی هستند. ویژگی‌های عمومی و نیمه‌عمومی شدت‌دهنده و ویژگی‌های اختصاصی و نیمه‌اختصاصی جهت‌دهنده هستند. ویژگی‌های شدت‌دهنده سبب افزایش بی‌دفاع بودن فضاها می‌شوند و ویژگی‌های جهت‌دهنده نیز سبب بی‌دفاع شدن فضاها به نوع خاصی از خشونت و غالب شدن یک نوع خشونت در یک فضا می‌شوند.
- طبق یافته‌های به‌دست آمده می‌توان گفت که در بی‌دفاع شدن فضاها شهری هر دو بُعد فیزیکی و اجتماعی فضاها شهری مؤثرند. و نظریاتی که تنها بر یک بُعد از ویژگی‌های فضاها بی‌دفاع برای کنترل خشونت توجه کرده‌اند (چه فیزیکی، چه اجتماعی) نمی‌توانند کلیت فضاها بی‌دفاع را به‌طور متناسب نشان، داده سبب کاهش خشونت شوند. بنابراین، نظریاتی که بر هر دو بُعد توجه کرده‌اند، کلیت فضاها بی‌دفاع را بهتر نشان می‌دهند. از سوی دیگر، نظریات تک بُعدی نیز تنها با توجه به نوع خشونت می‌توانند مورد توجه قرار گیرند. در بی‌دفاع شدن فضاها هر دو بُعد تأثیر دارند، اما در مقام مقایسه با توجه به نتایج به‌دست آمده بر حسب نوع خشونت‌های بررسی شده، عوامل اجتماعی بیشتر از عوامل فیزیکی فضاها را برای وقوع مزاحمت بی‌دفاع می‌کنند. همچنین، عوامل اجتماعی نقش بیشتری در مُستعد کردن فضاها برای

- 23- Trancik, roger. (1986). *finding lost space*. new York: van nostrand reinhold.
- 24- White, rob. And Sutton, Adam. (1995). *crime prevention, urban space and social exclusion*. Department of criminology. university of Melbourne.
- 25- Winton, Ailsa. (2004). *Urban violence:a guide to the literature Environment and Urbanization*.
- ۹- شکوهی، حسین. (۱۳۷۲). *جغرافیای اجتماعی شهرها*، تهران: نشر ماجد: چاپ دوم.
- ۱۰- کرلینجر، فرد. (۱۳۸۳). *روش‌های تحقیق در علوم رفتاری*، تهران: [بی‌نا].
- ۱۱- صدیق سروسناتی، رحمت اله. (۱۳۷۱). *فاصله‌ی فروماندگی تا فرومایگی*، طرح تحقیق، دانشگاه تهران.
- ۱۲- لنگ، جان. (۱۳۸۳). *آفرینش نظریه‌ی معماری*، ترجمه: علیرضا عینی‌فر، تهران: نشر دانشگاه تهران، چاپ سوم.
- ۱۳- محسنی تبریزی. علیرضا. (۱۳۸۳)، *وندالیسم: مبانی روانشناسی اجتماعی*، تهران: انتشارات آن، چاپ سوم.
- ۱۴- مرتضوی، شهرناز. (۱۳۸۰). *روانشناسی محیط*، تهران: انتشارات بهشتی، چاپ دوم.
- ۱۵- فلیک، یو. (۱۳۸۲). *درآمدی بر پژوهش‌های کیفی در علوم انسانی*، ترجمه: عبدالرسول جمشیدیان، سیدعلی سیادت و رضا علی نوروزی، نشر سماء قلم.
- 16- Kevin, G. (۲۰۰۳). *Toward an Understanding of the Spatiality of Urban Poverty*.
- 17- Mamford, L. (1970). *the culter of cities*. new York: harcount barace.javanovich.
- 18- Mawby, R.I (1976). *Defensible Space: A Theoretical and Empirical Appraisal*.
- 19- Newman, Oscar. (1996). *Creating Defensible Space. u. s. Department ofhousing and urban development*.
- 20- Rapoport, A. (1984). *culture and the urban order*. A, jone. boston: Allen & unwin press.
- 21- Taylor, r.and gottfredson, s.and browner, s. (1984). *Block crime and fear*. Journal of Research in Crime and Delinquency.
- 22- Timothy, C.and O'Shea. (2006). *Physical deterioration, disorder, and crime*. university of south alabama.